



ساکنان محله سرشور از تبدیل خانه‌ای مسکونی به انبار ضایعات شکایت دارند

سلب آسایش مردم با دیپوی ضایعات



نجمه موسوی زاده ادرا یکی از کوچه‌های خیابان شهید اندرزگو، خانه‌ای قرار دارد که به گفته همسایه‌ها، مدتی است محل جمع‌آوری و نگهداری انواع ضایعات شده است. پلاستیک، آهن، کارتن و وسایل دورریختنی مختلف به این خانه آورده و اینجا نگهداری می‌شود؛ وضعیتی که به گفته ساکنان محله سرشور، زندگی همسایه‌های اطراف را تحت تأثیر قرار داده است.

اهالی می‌گویند این ضایعات پس از جمع‌آوری، مدتی در خانه می‌ماند و بعد برای فروش جابه‌جا می‌شود. آن‌ها که نگران وضعیت بهداشتی کوچه هستند، درخواست دارند وضعیت این محل بررسی شود تا مشکل به وجود آمده برای ساکنان کوچه برطرف شود.

● خانه‌ای که دیگر شبیه خانه نیست

مریم خانم، یکی از همسایه‌ها، می‌گوید: تقریباً هر روز می‌بینیم که وسایل مختلفی به این خانه آورده می‌شود. پلاستیک، کارتن، آهن و چیزهای دیگری که معلوم نیست از کجا جمع شده‌اند، داخل خانه روی هم قرار می‌گیرند. حجم وسایل آن قدر زیاد شده است که اینجا بیشتر از اینکه شبیه یک خانه باشد، به انبار ضایعات می‌ماند. او ادامه می‌دهد: ماکاری به شغل یادآمد مالک خانه نداریم، اما وقتی فعالیت یک نفر روی زندگی ساکنان خانه‌های اطراف اثر می‌گذارد، انتظار داریم برایش فکری شود.

فاطمه خانم، دیگر ساکن این محدوده، بیشتر نگران وضعیت بهداشتی محل است. او می‌گوید: مدتی است تعداد سوسک‌ها و حشرات در اطراف بیشتر شده است. نمی‌توانم بگویم دقیقاً دلیلش همین ضایعات است، اما طبیعی است وقتی حجم زیادی کارتن و پلاستیک در یک خانه جمع می‌شود، حشرات موزی زیاد شوند. او می‌افزاید: این خانه بین چند منزل مسکونی قرار گرفته است و ما هم مجبوریم هر روز این وضعیت را تحمل کنیم. گاهی که از پنجره خانه، بیرون‌رنگ می‌کنم، می‌بینم که با ماشین، زباله‌های خشک را به داخل خانه می‌برند؛ انگار اینجا مکان جمع‌آوری بازیافت و فروش آن است.

● رفت و آمدهایی که آرامش کوچه را گرفته است

آقا رضا، یکی دیگر از اهالی، توضیح می‌دهد: تجمع زباله‌های

خشک و ضایعات علاوه بر اینکه باعث آلودگی، ازدیاد حشرات و مزاحمت‌هایی از این قبیل برای اهالی شده، مشکلات دیگری هم به وجود آورده است.

او از رفت و آمد خودروها گلایه می‌کند و می‌گوید: برای آوردن یا بردن وسایل، گاهی ماشین را جلو خانه ما پارک می‌کنند تا همین پسماندها را جابه‌جا کنند. برخی زباله‌های کوچک تر جلو در خانه ماریخته می‌شود و باید خودمان جارو کنیم.

کریم پور اضافه می‌کند: قبل‌رفت و آمدها به این شکل نبود. الان وقتی ماشین برای بردن ضایعات می‌آید، چند دقیقه‌ای جلو خانه می‌ایستد و فضای کوچه را می‌گیرد.

● برخورد با دیپوی ضایعات در منزل

شهردار منطقه ۸ به بیان اینکه دیپوی ضایعات در منازل مسکونی، نقض قانون و نادیده گرفتن حقوق شهروندی اهالی محله است، گفت: با افرادی که با تغییر کاربری املاک مسکونی، از این واحدها برای تفکیک زباله و دیپوی ضایعات استفاده می‌کنند، برخورد خواهد شد و موضوع از مسیر قانونی پیگیری می‌شود.

حسن صالحی مفرد افزود: مقرر شده است با هماهنگی اداره بهداشت، این موضوع به صورت قانونی پیگیری شود و در صورت احراز تخلف، برخورد قانونی و پلیس محل‌های متخلف صورت گیرد.

وی بیان کرد: در صورت تأیید موضوع از سوی اداره خدمات شهری منطقه ۸، ضایعات جمع‌آوری و مزاحمت رفع خواهد شد تا شرایط برای ساکنان کوچه مناسب شود.

خانواده شهیدای میناب در مسجد پنج تن^(ع)

با همکاری شهرداری منطقه ۸، مسجد پنج تن^(ع) میزبان چهل نفر از خانواده‌های شهیدای میناب بود. در جریان این برنامه، امکاناتی مانند اتوبوس برای جابه‌جایی این زائران و تشریف آنان به حرم مطهر امام رضا^(ع) به مدت سه روز فراهم شد.

جبهه، همین نزدیکی است

اردوی «جبهه همین نزدیکی است» به همت شهرداری منطقه ۸ و پایگاه بسیج شهید نامجو مسجد حضرت محمد^(ص) برای جمعی از نوجوانان برگزار شد. در این برنامه، پنجاه نوجوان در فضایی متناسب با حال و هوای دفاع مقدس حضور یافتند و با بخشی از فرهنگ ارزش‌های هشت سال دفاع مقدس آشنا شدند.

برگزاری ۸ رویداد مادری در منطقه ۸

شهرداری منطقه ۸، هشت رویداد اجتماعی مادری در مساجد مختلف محلات منطقه برگزار کرد. در مجموع این برنامه‌ها، از ۱۴۰ مادر دارای سه فرزند و بیشتر تجلیل شد. در این رویداد شورا‌های اجتماعی محلات منطقه نیز همکاری کردند.



شهر خبر



شهردار منطقه ۸ مهمان خانواده‌های شهیدای دفاع مقدس شد

میهن‌انی لاله‌ها در خانه شهدا

نجمه موسوی زاده ادرا هفته دفاع مقدس، حسن صالحی مفرد؛ شهردار منطقه ۸ و جمعی از مدیران منطقه، اعضای شورا‌های اجتماعی محلات و فعالان اجتماعی، مهمان خانواده‌های شهدا و ایثارگران شد و با خانواده سید جواد بهنام هاشمیان و خانواده شهیدان خلیلی دیدار کردند.

سید جواد، تخریبچی هفده ساله‌ای بود که سال ۶۷، شش ماه بعد از حضورش در جبهه در جزیره مجنون به شهادت رسید. شهیدان محمدرضا و حمیدرضا خلیلی در سال‌های ۶۱ و ۶۵ در عملیات رمضان و کربلای ۵ به شهادت رسیدند.

